



**Social factors affecting people's understanding of the causes of poverty in Isfahan city  
(Providing a model to measure the perception of poverty in Iran)**

Hasan Reza Yosofvand<sup>1</sup>

1. Department of Sociology, Faculty of Law and Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.  
Email: [yosofvand@pnu.ac.ir](mailto:yosofvand@pnu.ac.ir)

**Article Info**

**ABSTRACT**

**Article type:**  
**Article type:**  
Research Article

**Article history:**

Received: 03 August 2023  
Received in revised form: 01  
November 2023  
Accepted: 18 November  
2023  
Published: 30 November  
2023

**Keywords:**

Deterministic  
understanding, structuralist  
understanding,  
individualistic  
understanding, subjective  
poverty, objective poverty  
understanding, Isfahan city

The issue of poverty has been the dominant discourse in Iran in the past decades; politicians often ascribe the cause and root of poverty to external factors and underestimate the role of internal factors in its spread. Understanding people's views about poverty can give social planners a better insight into the issue and their accepted values in order to reduce poverty. Therefore, the main goal of the present research is to identify the causes of poverty (i.e., deterministic, individualistic, structural) with reference to sociological and economic categories.

The research employed a quantitative method and was conducted as a survey. The statistical population was based on the city of Isfahan. The required data was collected from a sample of 397 people using a researcher-made questionnaire. For data analysis, descriptive and inferential statistics were calculated using the SPSS and the pls structural equation model.

contextual variables and the dimensions of objective and subjective poverty were found to account for 0.97 of the changes in the understanding of poverty along the three dimensions of individualism, constructivism and individualism. The better the financial status of the households, the more the explanation of poverty based on individualistic factors.

Awareness of public opinion allows us to identify the image of socially marginalized people in our society as well as the kind of social policy criteria that the public considers legitimate. Proposed solutions to reduce poverty differ depending on whether people consider themselves to be objectively or mentally poor or non-poor.

Deterministic understanding, structuralist understanding, individualistic understanding, subjective poverty, objective poverty understanding, Isfahan city

**Cite this article** Yosofvand, H. (2023). Social factors affecting people's understanding of the causes of poverty in the city of Isfahan (providing a model for measuring the perception of poverty in Iran), *Community Development (Rural and Urban)*, 15 (2): 447-465. <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.363267.668808>



Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.363267.668808>

## عوامل اجتماعی اثرگذار بر شناخت افراد از علل فقر در شهر اصفهان (ارائه مدلی برای سنجش پنداشت از فقر در ایران)

حسن رضا یوسفوند<sup>۱</sup>

۱. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: [yosofvand@pnu.ac.ir](mailto:yosofvand@pnu.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	مسئله فقر در دهه‌های گذشته، گفتمان غالب در ایران بوده است؛ سیاستمداران اغلب علت و ریشه فقر را بیرونی می‌دانند و نقش عوامل داخلی را در گسترش آن کم‌اهمیت می‌دانند. آگاهی از نظرات و دیدگاه‌های مردم درباره فقر می‌تواند شناخت بهتری از موضوع و ارزش‌های پذیرفته شده آنان در جهت نیل به کاهش فقر به برنامه‌ریزان اجتماعی ارائه کند. بنابراین هدف اصلی پژوهش شناخت علل فقر (جبرگرایانه، فردگرایانه، ساختارگرایانه) بر اساس مقوله‌های جامعه‌شناختی و اقتصادی است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۱۲	پژوهش به شیوه کمی و با تکنیک پیمایش انجام شده است. جامعه آماری شهر اصفهان است. با ابزار پرسشنامه محقق ساخته اطلاعات لازم از نمونه آماری (۳۹۷ نفر) گردآوری شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آمارهای توصیفی و استنباطی، با نرم‌افزارهای SPSS و مدل معادله ساختاری PLS استفاده شده است.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۸/۱۰	متغیرهای زمینه‌ای و ابعاد فقر عینی و ذهنی مجموعاً توانسته‌اند ۰/۹۷ از تغییرات درک از فقر در ابعاد سه‌گانه فردگرایانه، ساختارگرایانه و جبرگرایانه را تبیین کنند. هرچه وضعیت مالی خانوارها بهتر باشد، تبیین فقر بر مبنای معرف‌های فردگرایانه بیشتر است.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۲۷	آگاهی از افکار عمومی به ما این امکان را می‌دهد که تصویر افراد به حاشیه رانده شده اجتماعی را در جامعه خود شناسایی کنیم و اینکه چه نوع معیارهایی از سیاست اجتماعی که عموم مردم آن را مشروع می‌دانند، شناسایی شود. آرایه راهکارها برای کاهش فقر، بسته به اینکه افراد خود را جزء فقرای عینی یا ذهنی یا غیرفقیر بدانند، متفاوت است.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۹/۱۳	کلیدواژه‌ها: درک جبرگرایانه، درک ساختارگرایانه، درک فردگرایانه، فقر ذهنی، درک فقر عینی، شهر اصفهان.

استناد: یوسفوند، حسن رضا (۱۴۰۲). عوامل اجتماعی اثرگذار بر شناخت افراد از علل فقر در شهر اصفهان (ارائه مدلی برای سنجش پنداشت از فقر در ایران) توسعه محلی (روستایی-شهری). ۱۵(۲): ۴۴۷-۴۶۵. <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.363267.668808>

© نویسندگان

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.363267.668808>

## ۱. مقدمه و طرح مسئله

فقر در دهه‌های گذشته، گفتمان غالب سیاستمداران در ایران بوده است؛ آنها اغلب علت و ریشه فقر را بیرونی می‌دانند و نقش عوامل داخلی را در گسترش این مسئله اجتماعی کم‌اهمیت می‌دانند. «مفهوم فقر تحت تلقی برداشت‌ها، معانی متعددی یافته است. در سال‌های اخیر با برساخت و ترسیم چهره خاصی از آن به منزله مقوله اقتصادی و به معنای نقصان و کمبود از بازنمایی سایر چهره‌های تاریخی موضوع در ایران غفلت شده است» (عنبری و پیری، ۱۳۹۵). در صورتی که فقر دارای یک نظام برهمکنشی است، بدین معنا که این پدیده دارای لایه‌های پیچیده و ابعاد مختلفی از قبیل ذهنی و عینی است که آگاهی از آنها برای کاهش فقر ضرورتی اساسی دارد. از منظری دیگر درک از فقر دارای ابعاد ساختارگرایانه، فردگرایانه و جبرگرایانه است. درک ساختارگرایانه از فقر بر راه‌هایی متمرکز است که ساختارهای اجتماعی و اقتصادی فقر را ایجاد و تداوم می‌بخشند. براساس این دیدگاه، فقر یک وضعیت عینی است که با عواملی مانند درآمد، ثروت و دسترسی به نیازهای اولیه مانند غذا، مسکن و مراقبت‌های بهداشتی قابل سنجش است. نظریه‌پردازان ساختارگرا استدلال می‌کنند که فقر صرفاً نتیجه انتخاب‌ها یا رفتارهای فردی نیست، بلکه نتیجه سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی گسترده‌تر است که نابرابری را ایجاد و حفظ می‌کند. بنابراین، فقر به عنوان یک مشکل سیستمی تلقی می‌شود که نیازمند راه‌حل‌های سیستمی است، مانند سیاست‌هایی که توزیع عادلانه‌تر منابع و فرصت‌ها را ترویج می‌کند (مرتن، ۱۹۳۸ و ۱۹۴۴؛ میردال، ۱۹۴۴؛ هاروی، ۲۰۱۷ و ساسن، ۲۰۱۴). از سوی دیگر، درک فردگرایانه از فقر بر نقش انتخاب‌ها و رفتارهای فردی در ایجاد و تداوم فقر متمرکز است. این دیدگاه بر تجربه ذهنی فقر تأکید می‌کند و فقر را نتیجه شکست‌های فردی مانند فقدان آموزش، مهارت یا انگیزه می‌داند. نظریه‌پردازان فردگرا استدلال می‌کنند که فقر از طریق برنامه‌هایی که مسئولیت‌پذیری و خودکفایی فردی را ارتقاء می‌دهند، مانند آموزش شغلی یا برنامه‌های آموزشی، به بهترین وجه مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین، فقر به عنوان یک مشکل شخصی تلقی می‌شود که نیازمند راه‌حل‌های شخصی است (سوول، ۱۹۸۳؛ چالرز، ۱۹۸۴؛ لویس، ۱۹۶۶؛ آسن، ۲۰۰۲ و آدی-کرونکی، ۲۰۱۹). درک جبرگرایانه از فقر نیز بر نقش نیروهای گسترده‌تر مانند عوامل تاریخی، فرهنگی یا محیطی در شکل دادن به تجربه فقر تأکید می‌کند. براساس این دیدگاه، فقر یک وضعیت عینی است که تا حد زیادی توسط عوامل خارج از کنترل فردی تعیین می‌شود. نظریه‌پردازان جبرگرا استدلال می‌کنند که فقر از طریق سیاست‌هایی که به عوامل گسترده‌تری مانند سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، حفاظت از محیط زیست و... می‌پردازند؛ کاهش پیدا می‌کند، بنابراین نیازمند راه‌حل‌های سیستمی است که به علل ریشه‌ای فقر رسیدگی کنند (هرنشتاین و موری، ۱۹۹۴ و کین، ۱۹۶۸). می‌توان گفت فقر پدیده‌ای است که طی دوره‌های تاریخی، دگرگونی معنایی و تجربی زیادی را به خود دیده است (عنبری و پیری، ۱۳۹۸). براین اساس هر دیدگاه دارای نقاط قوت و محدودیت‌های خود است. درک جامع از فقر، مستلزم در نظر گرفتن همه دیدگاه‌های مختلف و توجه به زمینه‌های خاصی است که فقر در آن تجربه می‌شود.

شهری شدن فقر، از بزرگ‌ترین چالش‌های توسعه جهانی است که در صورت تداوم روند نامطلوب کنونی، طی سه دهه آتی دو میلیارد نفر ساکن نواحی فقیرنشین خواهند بود (روستایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۵). در ایران نیز نوع توسعه به کاررفته در کشور، موجب رشد بی‌رویه شهرها و خالی شدن روستاها از نیروی انسانی شده، به انتقال فقر از روستا به شهر انجامیده است؛ به گونه‌ای که تراکم فقر را در حاشیه شهرها موجب شده است (هاشمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۲۵). با عنایت به این که حل مسئله فقر در ایران روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود و تعداد فقرا که از طبقه متوسط به جمع آنان می‌پیوندند، در حال افزایش است، بررسی پنداشت مردم از علل فقر می‌تواند اهمیتی اساسی در شناخت این پدیده در کلان‌شهر اصفهان داشته باشد، زیرا کلان‌شهر اصفهان در یکصد سال اخیر بالاترین میزان صنعتی شدن و سریع‌ترین رشد جمعیت را داشته است. به گونه‌ای که جمعیت اصفهان در صد سال اخیر از هشتاد هزار نفر به دو

میلیون نفر رسیده است. این میزان از صنعتی شدن افسارگسیخته و شهرنشینی بدون شهرگرایی سبب ایجاد محله‌های فوق بدخیم شده که مشخصه بارز آنها فقر و بیکاری است. در حال حاضر در استان اصفهان، یک میلیون و دویست هزار نفر و در شهر اصفهان، ۴۰۰ هزار نفر در مناطق حاشیه‌نشین ساکن هستند. درون شهر اصفهان، اصفهان دیگری وجود دارد که ساکنان آن از فقر و کمبود امکانات و خدمات رنج می‌برند (دهقانی، ۱۳۹۸: ۱۱۷). براین اساس در این پژوهش هدف اصلی مطالعه عوامل موثر بر شناخت افراد از علل فقر در شهر اصفهان است و به بررسی ارتباط مقوله‌های جامعه‌شناختی و اقتصادی با شناخت مردم از علل فقر (فردگرایانه، جبرگرایانه، ساختارگرایانه) با توجه به ابعاد عینی و ذهنی و متغیرهای منتخب اجتماعی و جمعیتی در شهر پرداخته می‌شود که با آگاهی از نظرات و دیدگاه‌های پاسخگویان، برنامه‌ریزان اجتماعی بتوانند درک بهتری از مسئله فقر و ارزش‌های پذیرفته شده مردم که منبع مشروعیت نظم و عامل موفقیت برنامه‌های اجرا شده در راستای کاهش فقر هستند، داشته باشند.

## ۲. پیشینه تحقیق

در ایران در مورد فقر تحقیقات بسیاری انجام شده است. اما در مورد درک از علل فقر و به شیوه این مقاله به نظر می‌رسد تاکنون پژوهشی انجام نشده است؛ اما پژوهش‌های زیادی در مورد علل درک شده فقر در حوزه علوم اجتماعی در کشورهای دیگر توسط پژوهشگران انجام شده است. هانت<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) در پژوهشی که در کالیفرنیا جنوبی انجام داد نشان داد که تبیین فردگرایانه و ساختارگرایانه برای فقر مهم است. میکو<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) در فنلاند تبیین‌های سرنوشت‌ساز را برای فقر مهم می‌داند. به نظر بابیاکوا<sup>۳</sup> (۲۰۲۱) افراد به لحاظ عینی فقیر و به لحاظ ذهنی فقیر در مقایسه با افراد غیرفقیر و ذهنی غیرفقیر در هر دو علل ساختاری و سرنوشت‌گرایانه فقر نمرات بالاتری دارند. از نظر نورسیا و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) افراد کم‌درآمد تمایل دارند علل رویدادهای مرتبط با شکست (در این مورد فقر) را به عواملی نسبت دهند که فراتر از کنترل آنها است. لاچمن و ویور<sup>۵</sup> (۱۹۹۸) نشان دادند افراد کم درآمد که منبع کنترل بیرونی دارند به تأثیر عوامل خارجی اعتقاد دارند. از نظر کوزارلی و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۰۱) نگرش نسبت به فقرا به طور قابل توجهی منفی‌تر از نگرش نسبت به طبقه متوسط بود. نیمالا<sup>۷</sup> (۲۰۰۸) بیان کرد در فنلاند برخی از افراد، عوامل ساختاری و اقتصادی را به عنوان علت اصلی فقر در نظر می‌گیرند. نورچیا و ریزوتو<sup>۸</sup> (۲۰۱۵) در ایتالیا نشان دادند برخی از افراد، عوامل ساختاری و اقتصادی را به عنوان علت اصلی فقر در نظر می‌گیرند، مانند بیکاری، نابرابری اقتصادی و نظام سیاسی ناکارآمد. به نظر مورچول<sup>۹</sup> (۱۹۹۷) در ترکیه برخی بیکاری، نابرابری اقتصادی و سیاست‌های اقتصادی ناموفق را عامل فقر می‌دانند. گروهی دیگر عوامل فردی و رفتارها را به عنوان علت فقر می‌بینند. به گفته بولاک<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۹) در آمریکا توضیحات و نگرش‌ها درباره علل فقر بین افراد متوسط طبقه و گیرندگان کمک‌های رفاهی متفاوت است. دیوید و گووز<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۳) در آفریقای جنوبی نشان دادند که نگرش‌ها و تصورات مردم درباره علل فقر

1 . Hunt

2. Mikko

3 . Jaroslava Babjáčová, Samar Issmailová2, Peter Babinčák3

4 .Norcia, M., Castellani, A. Rissotto, A.

5 . Lachman, and Weave

6 . Cozzarelli, C., Wilkinson, A.V.; Tagler, M. J

7 . Niemelä

8 . Norcia, and Rissotto

9 . Morçöl

10 . Bullock

11 . Davids and Gouws

در این منطقه متنوع هستند و شامل عوامل مختلفی مانند عوامل ساختاری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود. به نظر شک<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) درهنگ‌کنگ باورها درباره علل فقر تأثیر قابل توجهی در روان‌شناختی والدین و نوجوانانی که با معضلات اقتصادی روبرو هستند، دارد. یاکیشیک و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) نیز بیان کردند افراد فقیر رسماً ثبت شده در ترکیه نگرشی منفی نسبت به خودشان و وضعیت فقر خود دارند. در بیشتر پژوهش‌ها تأثیر متغیرهای اجتماعی و جمعیت‌شناختی مختلف مانند طبقه اجتماعی، درآمد، ارزیابی ذهنی از وضعیت اقتصادی فرد، جنسیت، سن، تحصیلات و اشتغال بر ادراک افراد از علل فقر انجام شده است. بخشی از مطالعات بر روی افرادی انجام شده است که به طور مستقیم فقر را تجربه نکرده‌اند؛ آنان فقر را به ناکامی‌های فردی نسبت می‌دهند، افراد مرفه‌تر فقر را به گردن افراد می‌اندازند و تأکید بیش از حدی بر علت شخصی به جای علت ساختاری فقر می‌کنند. همچنین نتایج یک پژوهش که به شیوه کیفی در ایران انجام شده است نشان می‌دهد که "مطالعان، دلیل بارز فقر خویش را عوامل ساختاری و نهادی مانند فساد، ضعف دولت، تورم، قوانین ناکارآمد و شانس اندک زندگی به دلیل تعلق به طبقه ضعیف جامعه می‌دانند (پیری و صالح‌پور، ۱۴۰۲: ۱۵۰).

### ۳. مبانی و چارچوب نظری

بانک جهانی، فقر را به عنوان درآمد یا منابع موجودی تعریف می‌کند که کمتر از حداقل شرایط زندگی است و در مسکن، بهداشت و دسترسی ضعیف به غذا منعکس می‌شود (میکولاسکووا و همکاران، ۲۰۱۸).

علل فقر متعدد است و همچنان که در بعد مفهومی سازه‌ای چندبعدی و متغیر است، در بعد عینی و تجربی نیز متغیر است و ممکن است مقطعی و محدود به زمان و مکان باشد. برخی جوامع در دوران رکود اقتصادی به طور دسته‌جمعی گرفتار فقر می‌شوند، در برخی جوامع فقر گریبان افراد کمتری را می‌گیرد، عده‌ای به طور مقطعی فقیر می‌شوند و عده‌ای دچار فقر مزمن می‌شوند و یا در دوره‌های زمانی خاص زندگی فقیر می‌شوند. در تبیین علل فقر، نظریه‌ها و تقسیم‌بندی‌های چندگانه متفاوت نظری صورت گرفته است. نظریه‌های فقر را می‌توان به نظریه‌های اقتصادی، نظریه‌های جامعه‌شناختی، نظریه‌های روان‌شناختی، نظریه جغرافیایی و نظریه اقتصادی و سیاسی طبقه‌بندی کرد. تانسند (۱۹۷۹) با نگاهی مبتنی بر رویکرد رفاهی به فقر، نظریه‌های تبیین فقر را در چهار دسته کلی قرار می‌دهد: نظریه گروه اقلیت، چرخه محرومیت، اقتصاد ارتدوکسی و بازار کار دوگانه. رویکرد توسعه اجتماعی، دسته‌بندی پنج‌گانه‌ای از نظریه‌های تبیین فقر ارائه می‌دهد: ۱- فقر ناشی از ناکارآمدی فردی، ۲- فقر ناشی از سیستم اعتقادی فرهنگی (مترادف با خرده فرهنگ فقر)، ۳- فقر ساختاری ناشی از اختلالات اقتصادی سیاسی و اجتماعی و یا تبعیض‌های اجتماعی، ۴- فقر ناشی از موقعیت جغرافیایی و ۵- فقر ناشی از پیوستگی درونی چرخه‌ای و تجمعی (چرخه محرومیت). در مجموع نظریه‌های فقر را می‌توان در هفت دسته قرار داد: ۱- نظریه‌های فردمحور، ۲- نظریه‌های ساختارمحور، ۳- نظریه‌های فرهنگ‌محور، ۴- نظریه‌های جغرافیامحور، ۵- نظریه طرد اجتماعی، ۶- نظریه‌های چرخه‌ای و تجمعی و ۷- نظریه‌های اقتصادمحور (حمیدیان، ۱۳۹۶: ۱۴۵). تعداد زیادی از تئوری‌های فقر وجود دارد که سعی در شناسایی عوامل اساسی فقر دارند. برادشاو (۲۰۰۶) نقش عوامل فردی، فرهنگی، ساختاری، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، جغرافیایی را در دسته‌بندی فقر مهم می‌داند. در یک تقسیم‌بندی نظریه‌های فقر به چهار دسته تقسیم شده است:

1. Shek

2. Yakışık, H; Dölarslan, E. Ş; Zülfiqa, r, B. Ş.

- ۱- نظریه کمبودهای فردی آدی-کرونکی<sup>۱</sup> (۲۰۱۹)، برادشاو (۲۰۰۶ و ۲۰۰۷)، نورچیا و ریسوتو<sup>۲</sup> (۲۰۱۵)، آسن<sup>۳</sup> (۲۰۰۲)، لوئیس<sup>۴</sup> (۱۹۶۶). این نظریه ادعا می‌کند که فرد مسئول وضعیت فقر خود است.
  - ۲- براساس نظریه تبعیض و ساختاری اسمیت و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۲)، برادشاو (۲۰۰۶)، دیویس.پ.اس.ام.<sup>۶</sup> (۲۰۱۴)، دیویس و همکاران<sup>۷</sup> همکاران<sup>۸</sup> (۱۹۴۵)، پیکتها<sup>۹</sup> (۲۰۱۳)، هاروی (۲۰۱۲) و ساسن<sup>۹</sup> (۲۰۱۴) فقر به دلیل ساختار نظم اجتماعی-اقتصادی بزرگ‌تر است.
  - ۳- نظریه نابرابری‌های جغرافیایی میسی<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۴)، اسمیت<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۰) و پیک<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۴) و نظریه عدم تطابق فضایی کین<sup>۱۳</sup> (۱۹۶۸) می‌گویند فقر ناشی از نابرابری‌های جغرافیایی است.
  - ۴- نظریه چرخه‌ای فقر برادشاو (۲۰۰۶) و نظریه وابستگی آندره گاندر فرانک و فرناندو هنریکه کاردوسو (۱۹۶۰ و ۱۹۷۰) می‌گویند فقر زمانی رخ می‌دهد که افراد یا خانوارها به دلیل شرایط پیش‌بینی نشده مانند بلایای طبیعی به طور ناگهانی قادر به تامین مایحتاج خود نباشند.
- همانطوری که بیان شد نظریه‌های مختلفی در مورد علل فقر وجود دارد، اما اینکه درک فقر مردم از چه چیزی سرچشمه می‌گیرد موضوعی است که در این پژوهش تحت عنوان علل فقر (فردگرایانه، ساختاری و جبرگرایانه) بررسی و چارچوب نظری پژوهش نیز بر دیدگاه‌های صاحب‌نظران در این حوزه استوار است.
- با عنایت به دیدگاه‌های صاحب‌نظران در مورد فقر، علل درک‌شده فقر را می‌توان به سه دسته علل فردگرایانه، ساختاری و جبرگرایانه فقر تقسیم کرد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.
- درک فردگرایانه از فقر به چشم‌اندازی اشاره دارد که فقر را عمدتاً به ویژگی‌ها، رفتارها یا انتخاب‌های فردی نسبت می‌دهد، بدون در نظر گرفتن عوامل ساختاری یا سیستمی گسترده‌تر. این دیدگاه بیان می‌کند که فقر نتیجه کاستی‌ها یا شکست‌های شخصی مانند کمبود تلاش، انگیزه یا مهارت و... است. شناخت درک فردگرایانه مستلزم عوامل مختلفی از جمله تأثیرات فرهنگی و ایدئولوژیک است که می‌تواند باورهای اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی درک از فقر را شکل دهند. در این مورد نویسندگانی مانند چارلز در کتاب «از دست دادن زمین: سیاست اجتماعی آمریکا، ۱۹۵۰-۱۹۸۰» استدلال می‌کنند که برنامه‌های رفاهی دولت، مانند برنامه‌های اجرا شده در درون جامعه، پیامدهای منفی ناخواسته‌ای دارند. او در این کتاب عوامل ساختاری را که به فقر و نابرابری کمک می‌کنند در نظر نمی‌گیرد. سوول در کتاب «اقتصاد و سیاست نژاد»، استدلال می‌کند که مداخله دولت در اقتصاد، به‌ویژه در قالب برنامه‌های اقدام مثبت، در واقع به جای کاهش فقر و نابرابری، فقر و نابرابری را تشدید می‌کند. این مطالعه به این نتیجه رسید که ترکیبی از مداخلات فردی و ساختاری برای رسیدگی به فقر و نابرابری به طور جامع مورد نیاز است (سوول، ۱۹۸۳).

1 . ADDAE-KORANKYE, ALEX

2. Maurizio; Rissotto

3. Asen, R.

4 . Lewis, O.

5 . Sameti, M et, al

6 . Davis, P Sanchez-Martinez M

7. Davis, K., & Moore, W. E

8 . Piketty, Thomas

9 . Sassen

10 . Massey

11 . Smith

12 . Peck

13 . Kin

تئوری‌های جبرگرا فقر را به عوامل غیرقابل کنترل و غیرقابل پیشگیری نسبت می‌دهند، مانند بیماری، بدشانسی و... تلقی جبرگرایانه از علل فقر، علت را در سرنوشت می‌بیند. براساس نظریه‌های جبرگرا فقر و نابرابری توسط عواملی خارج از کنترل فرد، مانند ژنتیک، نژاد، طبقه اجتماعی یا سایر عوامل محیطی از پیش تعیین می‌شوند. این رویکرد فرض می‌کند که افراد به دلیل محدودیت‌های مختلفی که ممکن است ظرفیت آنها را برای موفقیت محدود کند، قادر به تغییر نتایج زندگی خود نیستند. این نظریه‌ها تمایل دارند که نقش عامل فردی و قدرت عاملیت را در تصمیم‌گیری نادیده بگیرند و در عوض بر محدودیت‌های ساختاری به عنوان نیروی محرکه فقر تمرکز کنند. نویسندگان زیادی بوده‌اند که نظریه‌های جبرگرایانه فقر را بررسی کرده‌اند. مهم‌ترین صاحب‌نظران در این مورد هرنشتاین و موری هستند. آنها در کتاب منحنی زنگ به ارتباط بین هوش و وضعیت اجتماعی اشاره کرده‌اند (هرنشتاین و موری، ۱۹۹۴).

براساس نظریه‌های ساختاری فقر و نابرابری نتیجه عوامل ساختاری مانند سیستم‌های اقتصادی، سیاست‌ها و نهادهایی است که جامعه را شکل می‌دهند. این نظریه‌ها عوامل تاریخی و سیاسی را در نظر می‌گیرند که توزیع منابع و قدرت را شکل می‌دهند. نظریه‌های ساختارگرایانه اغلب بر نقش سیستم‌های اقتصادی، بازارهای کار، جهانی‌شدن و سیاست‌هایی مانند مالیات و برنامه‌های رفاه اجتماعی تمرکز می‌کنند. نویسندگان زیادی بوده‌اند که نظریه‌های ساختارگرایانه فقر و نابرابری را بررسی کرده‌اند. مهم‌ترین نمونه‌ها در این حوزه عبارتند: یکی از نمونه‌ها ساختار اجتماعی و آنومی (مرتن، ۱۹۳۸ و ۱۹۴۴) است که به بررسی رابطه بین ساختار اجتماعی و جرم و انحراف پرداخت. براساس نظر مرتن فقر و نابرابری نتیجه جدایی بین اهداف تعریف شده فرهنگی و ابزارهای دستیابی به آنهاست. نمونه دیگر در این مورد کتاب «معضل آمریکایی: مشکل سیاهپوستان و دموکراسی مدرن» (میردال، ۱۹۴۴) است. او عوامل ساختاری پشت نابرابری نژادی در ایالات متحده، از جمله نژادپرستی نهادی و تبعیض اقتصادی را بررسی کرد.

تحقیقات نشان داده است که نظریه‌های ساختارگرایانه می‌توانند بینش‌های ارزشمندی در مورد پیچیدگی‌های فقر و نابرابری ارائه دهند. با این حال، نظریه‌های ساختارگرایانه گاهی اوقات می‌توانند نقش عاملیت فردی را نادیده بگیرند و همیشه عوامل فرهنگی یا اجتماعی را که ممکن است به فقر و نابرابری کمک کنند، در نظر نگیرند. بنابراین، در نظر گرفتن طیف وسیعی از عوامل و رویکردها هنگام تلاش برای درک و پرداختن به فقر و نابرابری مهم است. باتوجه به مباحث نظری فرضیه‌های زیر مطرح می‌شود: (۱) به نظر می‌رسد بین نوع فقر (عینی-ذهنی) و پنداشت از فقر (فردگرایانه، ساختاری و جبرگرایانه) تفاوت معناداری وجود داشته باشد؛ (۲) به نظر می‌رسد افراد فقیر در مقایسه با افراد غیرفقیر بر دلایل ساختاری و همچنین جبرگرایانه پنداشت از فقر تأکید دارند؛ (۳) به نظر می‌رسد متغیرهای جنس، سن، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، تحصیلات و... متغیرهای اثرگذاری بر پنداشت از علل فقر (ساختاری، جبرگرایانه، فردگرایانه) باشند و (۴) دیدگاه پاسخگویان در مورد اقدامات و سیاست اجتماعی دولت‌ها با توجه به علل فقر متفاوت است.

#### ۰۴ روش تحقیق و نحوه سنجش مفاهیم

این پژوهش در شهر اصفهان با تکنیک پیمایش انجام شده است. جامعه آماری شهروندان شهر اصفهان بود. انتخاب محلات برای گردآوری اطلاعات براساس مشورت با ۵ نفر از خبرگان (دو جامعه‌شناس و سه پژوهشگر در حوزه جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری در اصفهان) و تجربه و شناخت محقق از جامعه آماری بوده است. در مرحله اول محله‌های اصفهان به سه دسته برخوردار، کمتر برخوردار و مناطق حاشیه‌نشین تقسیم شدند. از محله‌های برخوردار (کوی سپاهان، دروازه شیراز، شیخ صدوق و چهارباغ عباسی)، از مناطق

حاشیه‌نشین و کمتر برخوردار (زینبه، قائمیه، حجتیه و حصه)، از مناطق تقریباً متوسط (بزرگمهر، رکن‌الدوله، نورباران) به عنوان محلاتی که اطلاعات از آنان گردآوری شد انتخاب گردیدند. در مرحله دوم داده‌ها در ماه‌های دی، بهمن و اسفند ۱۴۰۱، با استفاده از نمونه‌گیری اتفاقی و خودگزینی با همراهی و کمک سه نفر از دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد جمع‌آوری شد. نمونه تحقیق شامل ۳۹۷ پاسخ‌دهنده (۲۴۷ مرد و ۱۵۰ زن) در سنین بین ۱۸ تا ۵۶ و بالاتر در شهر اصفهان بودند. از نظر جنس ۶۲ درصد مرد و ۳۸ درصد زن بودند. از لحاظ وضعیت تأهل، ۳۹/۸ مجرد و ۶۰/۲ متاهل بودند. از نظر محل سکونت و اینکه خود را شهری یا روستایی می‌نامیدند، ۸۴/۲ شهری و مابقی روستایی بودند. از نظر تحصیلی، ۲۱/۴ درصد پاسخگویان تا مقطع سیکل یا کمتر تحصیل کرده‌اند، بیش از نیمی از پاسخگویان مدرک آنها دیپلم و زیردیپلم بود، بالای ۴۰ درصد پاسخگویان مدرک آنها دانشگاهی و لیسانس و بالاتر بودند. اتوجه به وضعیت استخدامی، ۳۵/۲ درصد پاسخگویان شاغل تمام وقت، ۱۷/۳ درصد به صورت پاره وقت، ۲۴ درصد بیکار، ۱۳/۵ درصد دانشجو، حدود ده درصد دیگر نیز سایر از جمله بازنشسته بودند.

در خصوص معرف‌های درک از ابعاد سه‌گانه فقر تعدادی پرسشنامه در مورد درک از فقر توسط برخی از پژوهشگران مانند (فایگن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱) و (ناصر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱) طراحی شده است. همچنین به منظور شناسایی علل درک شده فقر در ایران، قبل از طراحی پرسشنامه با ۳۵ نفر از جامعه آماری (۱۳ زن و ۲۲ مرد)، مصاحبه مقدماتی انجام شد. در این مصاحبه یک سؤال مقدماتی از همه آنها با این عنوان پرسیده شد: *به نظر شما، چرا برخی از مردم در فقر زندگی می‌کنند؟* در ادامه سوال اول، پرسش بعدی با این عنوان که چه عواملی از قبیل ویژگی‌های فرد فقیر ویژگی‌های شخصیتی یا عادت، تقدیر، بلایای طبیعی، تحریم‌ها و.... می‌تواند باعث فقر در یک جامعه شود؟ در این مورد از پاسخگو درخواست می‌شد در صورت تمایل به آنان پاسخ دهند و اکثر پاسخگویان بجز دو نفر به پرسش‌ها پاسخ دادند. در حین مصاحبه پاسخ‌های داده شده توسط پاسخگویان یادداشت، پس از پایان مصاحبه با حذف مقوله‌های تکراری و مشورت با ۳ نفر جامعه‌شناس و یک روان‌شناس که هر چهار نفر عضو هیات علمی دانشگاه و صاحب‌نظر در این زمینه می‌باشند، نهایتاً ۴۷ معرف برای سنجش درک از ابعاد سه‌گانه فقر (تعداد ۱۸ سوال برای بعد فردگرایانه، ۹ سوال برای بعد جبرگرایانه و ۲۰ سوال برای بعد ساختاری) شناسایی شد. نتایج آن در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱. تعریف عملیاتی ابعاد درک از علل فقر

ادراک از فقر	Y1	سواد پایین و سواد مالی محدود	Y10
تنبلی	Y2	نداشتن ارث	Y11
احساس ناامیدی یا درماندگی	Y3	اعتیاد و مواد مخدر	Y12
تمایل به تعویق انداختن کارها	Y4	عدم صرفه جویی و مدیریت نامناسب	Y13
الگوهای فکری محدود یا سفت و سخت	Y5	نداشتن تخصص و شغل پایدار	Y14
احساس حقارت یا ناامنی	Y6	عدم توانایی و استعداد	Y15
مقایسه نامطلوب خود با دیگران	Y7	فرزند زیاد	Y16
نداشتن سلامت روان	Y8	عدم تلاش توسط فقرا	Y17
زودبآوری	Y9	سن بالا	Y18

1 . Feigin

2 . Nasser



چهره‌گرایانه	Y1	شانس و اقبال	Y6	بیماری
	Y2	مواجهه محدود با الگوهای مثبت	Y7	حوادث
	Y3	عدم درک و آگاهی از مسائل بهداشت روان	Y8	قرار گرفتن در معرض تجارب آسیب‌زا
	Y4	خواست خدا	Y9	سابقه کیفری
	Y5	نداشتن ارتباطات قوی		
ساختارگرایانه	Y1	قرار گرفتن در معرض فشارهای اجتماعی	Y11	دستمزد کم
	Y2	احساس داشتن بی‌عدالتی در جامعه	Y12	فقدان فرصت‌های شغلی و نداشتن کار شایسته
	Y3	طرز اجتماعی، تبعیض و به حاشیه راندن	Y13	تورم
	Y4	بی‌فایده بودن مشارکت سیاسی و اجتماعی	Y14	ناتوانی صنعت
	Y5	مقصر دانستن ثروتمندان	Y15	بی‌صدقاتی سیاستمداران
	Y6	تعصب و تبعیض براساس قومیت و جنسیت	Y16	ضعف سیستم اقتصادی کشور
	Y7	فرهنگ فقر	Y17	قربانی تحولات غیرقابل کنترل اجتماعی و جهانی
	Y8	عدم فرصت برابر	Y18	مهاجران خارجی
	Y9	سوءاستفاده حکومت	Y19	عدم دسترسی به منابع مالی ملی
	Y10	تحریم‌های بین‌المللی		

در نهایت سنجش فقر ذهنی و عینی بدین صورت بوده است که سنجش فقر ذهنی در این تحقیق به استناد نیگارد، ۲۰۱۷ با یک سوال سنجیده شد: آیا در شرایط اقتصادی فعلی کشور می‌توانید زندگی خود را تامین کنید؟ از پاسخ‌دهندگان خواسته شد با استفاده از یک مقیاس ۴ درجه‌ای از بدون مشکل تا بسیار دشوار ارزیابی کنند. پاسخ‌دهندگانی که شرایط اقتصادی خود را به عنوان تاحدی دشوار، دشوار یا بسیار دشوار ارزیابی کرده‌اند در دسته فقرای ذهنی در نظر گرفته شدند. در حالی که افراد با پاسخ ۱ به عنوان ذهنی غیرفقیر طبقه‌بندی شدند.

درآمد ماهیانه نیز به عنوان شاخصی از فقر عینی در نظر گرفته شد. برای سنجش وضعیت مالی خانوار از معرف‌های پیشنهادی دواد در کتاب «جامعه‌شناسی پول» استفاده شده است. او در کتاب برای اندازه‌گیری وضعیت مالی خانوار معرف‌های زیادی از جمله درآمد، ثروت، پس‌انداز، بدهی و الگوهای مصرف را پیشنهاد داده است (دواد، ۲۰۱۴).<sup>۱</sup>

و سنجش موافق با سیاست‌های اجتماعی در ارتباط با کاهش فقر با تاکید بر شهر اصفهان با ۵ سوال براساس طیف لیکرت سنجیده شده است که عبارتند از: موافق با برنامه‌های بیمه اجتماعی عمومی، موافق با مستمری‌های اجتماعی (حقوق‌بگیران نهادهای خاص)، موافق با کمک‌های اجتماعی (انواع یارانه‌ها)، ایجاد شغل برای بیکاران و کاهش هزینه‌های خدمات اجتماعی و بهداشتی.

و متغیر نظر درباره بازار کار فعلی ایران با تاکید بر شهر اصفهان با سه سوال سنجیده شده است که عبارتند از: امکان یافتن شغل برای بیکاران، امکان تغییر شغل برای درآمد بهتر و راهاندازی آسان کسب و کار. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته است. پرسشنامه درک از فقر با ۶۵ سوال بر مبنای معرف‌های متغیرها تنظیم و در بین پاسخگویان توزیع و از آنان پرسیده می‌شد که چقدر وجود این معرف‌ها در افزایش یا کاهش فقر می‌تواند موثر باشد. به سوالات براساس طیف لیکرت پاسخ داده شد (دامنه نمره هر سوال از ۱ خیلی کم تا ۵ خیلی زیاد است). داده‌ها در ماه‌های دی، بهمن و اسفند ۱۴۰۱، با استفاده از نمونه‌گیری اتفاقی و خود گزینشی با همراهی و کمک سه نفر از دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد جمع‌آوری شده‌اند. به منظور بررسی پایایی اولیه پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج آن در جدول (۲) آمده است.

جدول (۲). ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

مقدار آلفا	تعداد گویه	ابعاد	مفهوم
۰/۶۳۲	۹	جبرگرایانه	درک از علل فقر
۰/۷۵۲	۱۸	فردگرایانه	
۰/۷۸۲	۲۰	ساختاری	
۰/۹۸۵	۵	سیاست و حمایت‌های اجتماعی	
۰/۹۱۵	۳	بازار کار فعلی ایران	
۰/۹۰۶	۵۵	کل	

مقدار ضریب بالای آلفای کرونباخ متغیرها نشان از دقت اندازه‌گیری و قابلیت اعتماد پرسشنامه برای سنجش مفاهیم مورد نظر است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و نرم‌افزار معادله ساختاری PLS (رینگل و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲) استفاده شده است.

## ۴. یافته‌های پژوهش

### ۴-۱. درک از فقر با توجه متغیرهای وضعیت مالی و خود طبقه‌بندی

نتایج پژوهش نشان داد ۱۲/۳ درصد پاسخگویان در شرایط فعلی اقتصادی، زندگی آسانی دارند و بیش از ۱۵/۹ واحدی دشوار، ۴۷/۷ دشوار و ۲۴/۱ وضعیت خود را بسیار دشوار ارزیابی کرده‌اند. اساس مقیاس (نیگارد و همکاران، ۲۰۱۷) ۸۷/۷ درصد مردم اصفهان از لحاظ ذهنی احساس می‌کنند که فقیر هستند.

### ۴-۲. نظرات در مورد بازار کار فعلی اصفهان

بازار کار کشور در سال‌های اخیر با چالش‌های مختلفی از جمله نرخ بالای بیکاری، دستمزد پایین و فرصت‌های شغلی محدود مواجه بوده است. شاید به همین دلیل نیز باشد که بیش از نیمی از جامعه آماری در پاسخ به هر سه سوال، امکان استفاده از بازار کار فعلی ایران را مشکل می‌دانند.

جدول ۳. نظرات در مورد بازار کار فعلی ایران

در کشور چقدر مشکل / آسان است؟						نظر درباره بازار کار فعلی ایران
کل	بسیار آسان	آسان	تاحدی	مشکل	بسیار مشکل	
۱۰۰	۱۱	۲۵/۲	۱/۱۲	۲۴/۷	۲۷	یافتن شغل برای بیکاران
100	۴/۳	۲۳/۱	۱۵/۲	۳۱/۲	۲۶/۲	تغییر شغل برای درآمد بهتر
100	۱۰/۵	۱۳/۹	۱۹/۶	۲۳/۳	۳۲/۷	راهاندازی کسب و کار

### ۳-۴. درک از فقر با توجه به متغیرهای وضعیت مالی و خودطبقه‌بندی

بر اساس نتایج جدول (۴) می‌توان گفت هرچه وضعیت مالی خانوارها مساعدتر باشد، درک فقر بر مبنای معرف‌های فردگرایانه (۵۳/۱۶) بیشتر است و در مقابل درک فقر ساختاری (۲۲/۷۲) کمتر می‌شود. مقدار تبیین جبرگرایانه فقر براساس وضعیت مالی خانوار (۲۴/۱۱) می‌باشد. به عبارت دیگر می‌توان بر مبنای وضعیت مالی خانوار علل فقر را به ترتیب عوامل فردی، عوامل ساختاری و عوامل جبری دانست.

جدول ۴. درک از فقر با توجه به متغیرهای وضعیت مالی و خودطبقه‌بندی

چرا برخی از مردم در کشور ما در فقر زندگی می‌کنند؟			گویه	متغیر
فردگرایانه	ساختاری	جبرگرایانه		
*۳۰/۵۵	**۳۶/۱۱	***۳۳/۳۳	درآمد برای همه چیز کافی است	با توجه به وضعیت مالی خانوار
**۳۵/۷۱	**۴۲/۸۵	۲۱/۴۲	ما می‌توانیم پس انداز کنیم	
*۲۵/۲۱	*۵۶/۸۳	۱۷/۹۴	درآمد برای مایحتاج روزانه کافی نیست	
**۲۱/۰۵	**۶۳/۱۵	*۱۵/۷۸	بدهی‌های زیادی داریم	
۲۶/۱۹	**۶۴/۲۸	***۹/۵۲	نه تنها مسکن نداریم بلکه برای اجاره منزل در تنگنا هستیم	
۲۷/۷۴	۵۲/۶۴	۱۹/۵۹	میانگین	خودطبقه‌بندی
**۵۶/۳۲	***۲۲	۲۱/۸۷	خیلی پایین	
**۲۳/۹۵	**۶۲/۸۷	***۱۳/۱۷	طبقه پایین	
**۲۵/۳۹	**۵۶/۳۴	**۱۸/۲۵	متوسط	
*۲۹/۶۲	۴۸/۱۴	۲۲/۲۲	طبقه بالا	
**۳۸/۲۳	**۳۱	***۳۰/۷۶	خیلی بالا	
۳۴/۷۰	۴۴/۰۷	۲۱/۲۵	میانگین	

#### ۴-۴. نتایج دیدگاه‌ها در مورد اقدامات و سیاست اجتماعی دولت‌ها در شهر اصفهان با درک از فقر

نتایج دیدگاه‌ها در مورد اقدامات و سیاست اجتماعی دولت‌ها با درک از فقر در جدول (۵) نشان داده شده است.

#### جدول ۵. دیدگاه‌ها در مورد اقدامات و سیاست اجتماعی دولت‌ها در شهر اصفهان با توجه به علل فقر

ایجاد اشتغال برای بیکاران			
مخالقم	تا حدی	موافقم	
۳۷/۶۱	۴۲/۷۳	۱۹/۶۵	جبرگرایانه
۳۳/۸۳	۴۴/۱۱	۱۲/۰۵	ساختاری
۹۲/۳۲	۷۸/۴۸	۲۹/۱۱	فردگرایانه
۳۶/۷۹	۴۵/۲۱	۱۹/۹۹	میانگین
برنامه‌های بیمه اجتماعی عمومی			
۲۶/۹۲	۵۹/۶۱	۱۳/۰۳	جبرگرایانه
۲۵/۹۲	۶۰/۴۹	۱۳/۵۸	ساختاری
۲۲/۵۳	۶۱/۲۶	۱۶/۱۹	فردگرایانه
۲۵/۱۲	۶۰/۴۵	۱۴/۲۷	میانگین
هزینه‌های خدمات اجتماعی و بهداشتی			
۲۶/۸۹	۵۲/۹۴	۱۶/۲۰	جبرگرایانه
۳۲/۰۵	۳۵/۸۹	۳۲/۰۵	ساختاری
۲۱/۸۷	۵۶/۲۵	۲۱/۸۷	فردگرایانه
۲۶/۹۴	۴۸/۳۶	۲۴/۶۹	میانگین
کمک‌های اجتماعی (انواع یارانه‌ها)			
۶۱/۳۴	۶۱/۳۴	۱۳/۰۱	جبرگرایانه
۵۹/۵۹	۵۹/۵۹	۱۰/۰۲	ساختاری
۶۲/۲۶	۶۲/۲۶	۱۳/۱۹	فردگرایانه
۶۱/۰۶	۶۱/۰۶	۱۲/۱۳	میانگین
مستمری‌های اجتماعی (حقوق بگیران نهادی‌های خاص)			
۳۰/۸۸	۴۸/۹۹	۱۲/۱۷	جبرگرایانه
۳۱/۱۰	۴۱/۸۲	۲۷/۰۶	ساختاری
۳۲/۸۸	۵۰/۳۰	۱۶/۸۱	فردگرایانه
۳۱/۶۲	۴۷/۰۳	۲۰/۳۳	میانگین

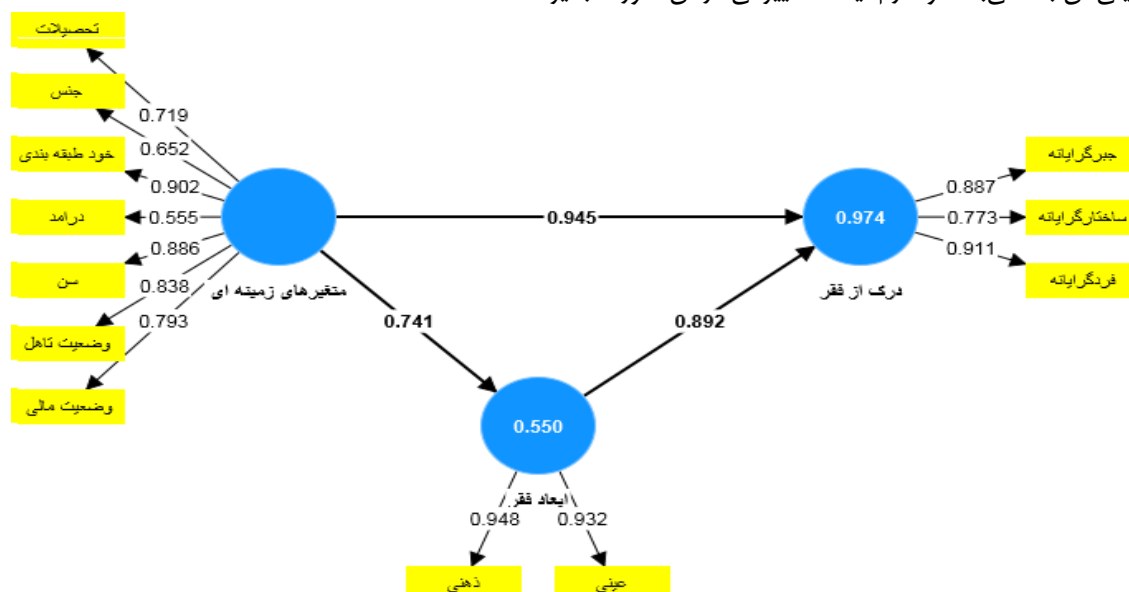
بیشترین میزان مخالفت برای ایجاد اشتغال برای بیکاران کسانی بودند که دارای درک فردگرایانه بودند. در مورد موافق بودن با برنامه‌های بیمه اجتماعی عمومی در هر سه گروه، بیش از نیمی از پاسخگویان در حد متوسطی موافق با برنامه‌های بیمه اجتماعی عمومی برای بهبود وضعیت فقرا هستند. بیشترین میزان مخالفت با برنامه‌های بیمه اجتماعی عمومی کسانی بودند که درک فردگرایانه و ساختارگرایانه از فقر داشتند و کمترین مخالفین کسانی بودند که دارای درک جبرگرایانه از فقر بودند. در مورد سوال کاهش هزینه‌های خدمات اجتماعی و بهداشتی، بیشترین مخالفین کسانی بودند که دارای درک فردگرایانه و ساختارگرایانه از فقر بودند. در مورد سوال کمک‌های اجتماعی (انواع یارانه‌ها) کسانی که درک ساختاری از فقر داشتند، بیشترین مخالفت با این موضوع بودند.

داشتند. در مورد مستمری‌های اجتماعی (حقوق‌بگیران نهادهای خاص) بیشترین میزان مخالفین کسانی بودند که دارای درک فردگرایانه از فقر بودند. براساس آزمون کروسکال والیس در مورد تفاوت معناداری بین گروه‌های مختلف نشان می‌دهد با توجه به رد فرضیه صفر، بین دو یا چند گروه مستقل از داده‌ها براساس رتبه آنها تفاوت معناداری وجود دارد. براساس نتایج حاصل از آزمون من ویتنی در مورد تفاوت معناداری بین دو گروه فقر عینی و ذهنی در مورد علل سه‌گانه درک شده فقر تفاوت معناداری وجود دارد.

#### ۴-۵. بررسی برازش مدل

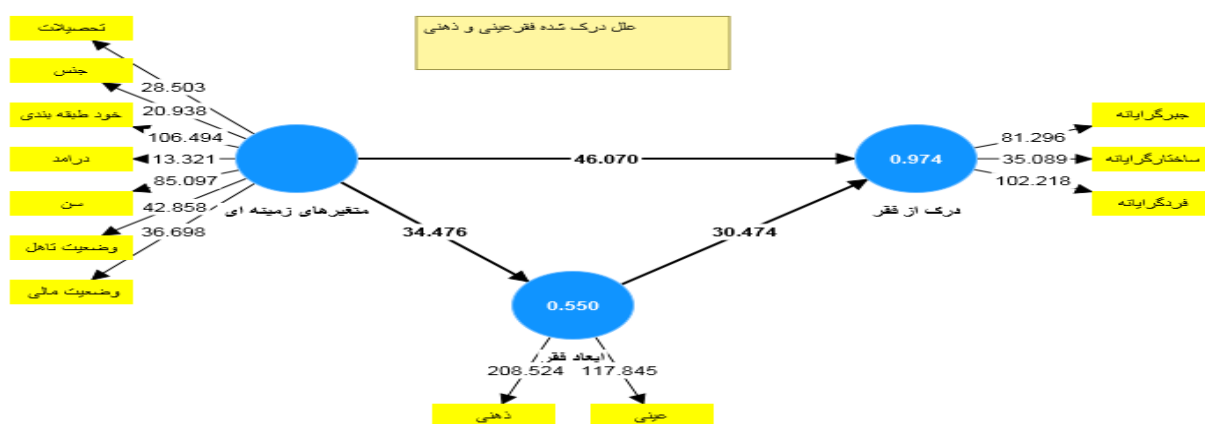
فرضیه‌های اصلی پژوهش با استفاده از روش معادلات ساختاری به وسیله نرم‌افزار PLS مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج ضریب مسیر مدل نشان می‌دهد که متغیرهای زمینه‌ای و ابعاد فقر بر درک از علل فقر تاثیر دارند و با توجه به مقدار آماره t فرضیات تحقیق مورد تایید قرار گرفته‌اند. براساس نتایج، سازگاری داخلی بین متغیرها بالا است. با توجه به مقادیر بالای  $AVE > 0.5$  اعتبار همگرایی مدل بالا متغیر نهفته اعتبار همگرایی خوبی دارد. همچنین متغیرهای درک ذهنی و عینی از فقر، علل درک شده ساختارگرایانه، فردگرایانه و جبرگرایانه دارای بارهای بیرونی  $> 0.5$  یا بالاتر هستند. در سایر معرف‌های متغیرهای زمینه‌ای بار عاملی دومتغیر جنس و درآمد زیر هفتاد درصد می‌باشد و به استناد نظر (هالند، ۱۹۹۹) این شاخص‌ها نیز مورد قبول می‌باشند.

با توجه به اینکه مقادیر تلورانس برای متغیرهای زمینه‌ای، درک ذهنی و عینی از فقر و علل درک شده ساختارگرایانه، فردگرایانه و جبرگرایانه از فقر بین ۰.۵۲۰ است، نتیجه می‌گیریم که هیچ مشکل جدی در مورد هم‌خطی بودن و بی‌ثباتی در مدل علل درک شده فقر عینی و ذهنی وجود ندارد؛ بنابراین مدل پایدار و دقت پیش‌بینی آن بالا می‌باشد و لازم نیست تغییراتی در آن صورت بگیرد.



شکل ۱. مدل علل درک شده فقر همراه با بارهای عاملی و مقادیر R

جهت بررسی آزمون مدل درونی از دو شاخص مقدار آر اسکوائر، اشتراک<sup>۱</sup>، آر اسکوائر اصلاحی<sup>۲</sup> استفاده شده است. نتایج آن در جدول زیر گزارش شده است. از مقادیر اشتراک برای معیار<sup>۳</sup> GOF استفاده می‌شود. مقدار آر اسکوائر ضریب تعیین اندازه‌گیری برای متغیرهای ابعاد فقر مقدار ۰/۵۵ و درک از فقر مقدار ۰/۹۷۴ است. این مقدار واریانس در متغیرهای پنهان درون‌زا است که توسط متغیرهای زمینه‌ای به عنوان متغیر پنهان برون‌زا در مدل ساختاری توضیح داده شده است. همچنین مقدار آر اسکوائر اصلاحی، برای متغیر ابعاد فقر ۰/۵۴۸ و برای درک از فقر ۰/۹۷۴ می‌باشد که نشان‌دهنده رابطه قوی بین متغیرهای پنهان بیرونی و درون‌زا است. در مدل PLS برای بررسی اعتبار یا کیفیت و برازش کلی مدل از شاخص GOF استفاده می‌شود. مقدار GOF محاسبه شده برای مدل پژوهش حاضر برابر ۰/۴۸۵ است که نشان‌دهنده برازش کاملاً مطلوب مدل می‌باشد. به عبارت دیگر تناسب بهتر بین داده‌ها و مدل ساختاری وجود دارد.



شکل ۲. مدل علل درک‌شده فقر همراه با ضرایب معناداری z

## ۵. بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد نظرات در مورد علل فقر براساس یک گونه‌شناسی با دو بعد اساسی فقر ذهنی و عینی و علل درک‌شده فقر و نظرات مربوط به سیاست اجتماعی در اصفهان بررسی و تحلیل شود. آگاهی از افکار عمومی به ما این امکان را می‌دهد که تصویر افراد به حاشیه رانده شده اجتماعی را در جامعه خود شناسایی کنیم و اینکه چه نوع معیارهایی از سیاست اجتماعی که عموم مردم ما مشروع می‌دانند، شناسایی شود.

اولین نتیجه‌ای که از این مطالعه به دست می‌آید این است که پاسخ‌دهندگان اصفهانی به وضوح به سه توضیح اصلی برای فقر اشاره می‌کنند. باورهای فردگرایانه: فقر بودن یا نبودن در اختیار فرد است و بیشتر به ارزش‌ها، انتخاب‌ها و رفتارهای فرد بستگی دارد. دوم، زمانی که مردم بر این باورند که شرایط اجتماعی-اقتصادی آنها از عواملی فراتر از توان آنها سرچشمه می‌گیرد، عموماً به دو گروه متمایز و به مؤلفه‌های متفاوتی برای علل فقر در اصفهان اشاره می‌کنند. یک چیزی که نمی‌توان تغییر داد، مانند (بیماری، سرنوشت،

1. Communalities
2. R square adjusted
3. Construct Reliability

بدشانسی...)) که در این پژوهش تحت عنوان علل تقدیرگرایانه از آن نام برده شده است و چیزی که به سختی قابل تغییر است، مانند (ساختار، اقتصاد، ...). افرادی که درک منفی از واقعیت اطراف خود دارند، سعی دارند که منشأ موقعیت اجتماعی-اقتصادی خود را تحت تأثیر دیگران، بدشانسی و غیره بدانند. علاوه بر این، این نتایج شبیه به افراد کم‌درآمد بیشتر از افراد با موقعیت اجتماعی بالاتر علل جبرگرایانه و ساختاری را عامل فقر می‌دانند (نورچیا و ریسوتو، ۲۰۱۲؛ اهرم و ترزو، ۱۳۸۳؛ حیاتی و کرمی، ۱۳۸۴ و مورکول، ۱۹۹۷).

همچنین نتایج پژوهش نشان داد هم افراد فقیر عینی و هم به لحاظ ذهنی فقیر امتیاز بالاتری در علل درک شده از لحاظ ساختاری و نیز جبرگرایانه فقر کسب کردند که با نتایج پژوهش‌های نورسیا (۲۰۱۰) و بابیاکوا (۲۰۲۱) همسو می‌باشد. اثر متغیرهای مستقل جنسیت، سن، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، تحصیلات، فقر ذهنی و عینی به عنوان پیش‌بینی‌کننده مثبت علل ساختاری و جبرگرایانه و فردگرایانه فقر قابل توجه می‌باشد. این موضوع با نظر بابیاکوا و لاچمن و ویور (۱۹۹۸) همخوانی دارد؛ براساس نتایج مدل ساختاری متغیرهای زمینه‌ای (تحصیلات، جنس، خودطبقه‌بندی، درآمد، سن، وضعیت مالی، وضعیت تأهل) به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر درک از فقر تأثیر داشته‌اند. متغیرهای زمینه‌ای از طریق غیرمستقیم با تأثیر بر ابعاد فقر ذهنی و عینی ۰/۵۵ از ابعاد فقر عینی و ذهنی را تبیین کرده‌اند. میزان همبستگی ابعاد فقر عینی و ذهنی با درک از فقر ۰/۸۹ می‌باشد. در مجموع متغیرهای زمینه‌ای به همراه متغیرهای ابعاد فقر عینی و ذهنی مجموعاً توانسته‌اند ۰/۹۷ از تغییرات درک از فقر در ابعاد سه‌گانه فردگرایانه؛ ساخت‌گرایانه و جبرگرایانه را تبیین کنند. عموم پاسخگویان وظایف دولت را ایجاد کار و کاهش فقر و آرایه خدمات رفاهی می‌دانند؛ در این مورد اظهار می‌داشتند چون کشور دارای منابع غنی نفت و گاز است حاضر به پرداخت مالیات نیستند و در مصاحبه‌های خود در حین تکمیل پرسشنامه‌ها اظهار می‌کردند کشوری که نفت دارد نباید مردم آن فقیر باشند و مردم آن مالیات بدهند، بلکه دولت باید به مردم کمک نقدی نیز بپردازد. افراد فقیر ذهنی در مقایسه با افراد غیرفقیر تمایل بیشتری به بررسی علل فقر در خارج از فرد داشتند. به ویژه شرایط ناگوار، جبرگرایانه و سایر عوامل خارجی که فقرا هیچ کنترلی بر آنها ندارند؛ یافته‌های کنونی با نتایج نورچیا و همکاران (۲۰۱۰) همخوانی دارد. آنان دریافتند افرادی که خود را فقیر می‌دانند کمتر تمایل دارند که فکر کنند فقر ناشی از خود فقیر است. در بین افراد فقیر ذهنی پاسخ‌دهندگان وجود داشته‌اند که با وجود داشتن مشکلات مالی، خود را فقیر نمی‌دانند. افراد فقیر ذهنی نمرات بالاتری را در علل درک ساختاری و جبرگرایانه فقر به دست آوردند. نتایج کنونی با یافته‌های ناصر و ابوچید (۲۰۰۵) که در پژوهش خود در هند نشان دادند که جوانان تمایل بیشتری به نسبت دادن فقر به عوامل ساختاری داشتند همخوانی دارد. کلوگل و اسمیت (۱۹۸۱) نشان دادند افراد طبقه متوسط تمایل بیشتری به علل درک‌شده فردگرایانه فقر دارند. نورچیا و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود در ایتالیا نشان دادند افراد کم‌درآمد تمایل دارند علل رویدادهای مرتبط با شکست (فقر) را به عواملی نسبت دهند که فراتر از کنترل آنها است. تمایل بیشتری به این باور داشتند که فقر ناشی از عوامل خارجی است. آنها برخلاف کسانی که خود را فقیر نمی‌دانستند، تمایل کمتری به علل درک درونی فقر داشتند (لاچمن و ویور، ۱۹۹۸) که در پژوهش خود تأیید می‌کنند که افراد کم‌درآمد منبع کنترل بیرونی دارند و به جای توانایی‌های خود به سرنوشت و تأثیر عوامل خارجی اعتقاد دارند. مورچول (۱۹۹۷) در پژوهش خود در ترکیه نشان داد تفاوت‌های آماری معناداری بین هر دو گروه در علل درک‌شده ساختاری و جبرگرایانه فقر یافته است. به طور خاص، او دریافت که افراد فقیر، برخلاف غیرفقیر، تمایل بیشتری به علل ساختاری و همچنین جبرگرایانه درک فقر دارند. در این پژوهش درک فردگرایانه معمولاً فقر را به عوامل سطح فردی مانند تنبلی و کم‌هوشی و دیگر معرف‌های بعد فردگرایانه فقر نسبت می‌دادند. این نتیجه با یافته‌های کوزارلی و همکاران (۲۰۰۱) همسو است. براساس این دیدگاه، فقر بیش از آنکه ناشی از عوامل سیستمی یا ساختاری باشد، ناشی از کاستی‌ها و شکست‌های فردی است. برخی از علل رایج فقر که توسط ایده‌های فردگرایانه شناسایی شده‌اند عبارتند از: ۱- فقدان آموزش و مهارت: ایده‌های فردگرایانه اغلب نشان می‌دهد که فقر ناشی از فقدان آموزش و مهارت است که

توانایی فرد را برای کسب دستمزد زندگی و موفقیت در بازار کار محدود می‌کند. ۲- اخلاق کاری ضعیف: ایده‌های فردگرایانه همچنین نشان می‌دهد که فقر ناشی از اخلاق کاری ضعیف است، مانند فقدان انگیزه، انضباط و پشتکار. براساس این دیدگاه، افرادی که سخت کار می‌کنند و مایل به ریسک هستند، احتمال موفقیت بیشتری دارند و از فقر فرار می‌کنند. ۳- مسئولیت شخصی: ایده‌های فردگرایانه بر مسئولیت شخصی تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که افراد، مسئول موفقیت یا شکست خود هستند و فقر نتیجه انتخاب‌ها و رفتارهای شخصی مانند مصرف مواد مخدر، اعتیاد به الکل و جنایت است. ۴- فروپاشی خانواده: ایده‌های فردگرایانه همچنین نشان می‌دهد که فقر ناشی از فروپاشی خانواده است، مانند طلاق و... براساس این دیدگاه، خانواده‌های پایدار برای موفقیت اقتصادی و تحرک اجتماعی بسیار مهم هستند. ۵- فقدان روحیه کارآفرینی: ایده‌های فردگرایانه نشان می‌دهد که فقر ناشی از فقدان روحیه کارآفرینی است، مانند فقدان نوآوری، ریسک‌پذیری و خلاقیت. براساس این دیدگاه، افرادی که مایل به راه‌اندازی کسب‌وکار خود و ریسک کردن هستند، احتمال موفقیت و رهایی آنها از فقر بیشتر است.

در این پژوهش کسانی که درک ساختارگرایانه از فقر داشتند معتقد بودند که فقر نتیجه عوامل سیستماتیک و ساختاری بدین شرح است: (۱) نابرابری اقتصادی: آنان معتقد بودند که نابرابری اقتصادی و توزیع نامتناسب منابع از جمله عوامل اصلی فقر است. آنها بر این باورند که سیستم اقتصادی فعلی، با کنترل بیشتر و توزیع منابع به شکل متعادل، می‌تواند به کاهش فقر کمک کند؛ (۲) بیکاری: معتقدند که بیکاری، به خصوص در بین جوانان و زنان، عامل اصلی فقر است. آنها بر این باورند که ساختار اقتصادی و سیاسی باید توجه بیشتری به ایجاد فرصت‌های شغلی داشته باشد؛ (۳) بی‌تفاوتی دولت: که بی‌تفاوتی دولت در برابر فقر، به خصوص در بین لایه‌های کم‌درآمد جامعه، می‌تواند عامل اصلی فقر باشد. آنها بر این باورند که دولت باید به دنبال ایجاد سیاست‌هایی باشد که به کاهش فقر کمک کند؛ (۴) سیاست‌های بین‌المللی: سیاست‌های بین‌المللی، به خصوص تحریم‌های اقتصادی، می‌تواند به افزایش فقر در کشورهایی مانند ایران کمک کند. آنها بر این باورند که باید به دنبال حل و فصل مسائل بین‌المللی باشیم تا به کاهش فقر در کشورها کمک کنیم.

به طور قطع نمی‌توان پاسخ واحدی برای اینکه مردم چه چیزی را علت فقر می‌دانند داد. هرکدام از پژوهش‌ها از منظر خاصی به بررسی این مسئله اجتماعی می‌پردازند. نظرات بسته به عوامل زیادی از جمله وضعیت اجتماعی و اقتصادی، تحصیلات و محل سکونت، سبک زندگی سنتی یا مدرن بسیار متفاوت است. با این حال، برخی از عوامل که به عنوان عامل فقر گسترده در ایران می‌توان به آنها اشاره کرد عبارتند از: ۱- سوء مدیریت و فساد اقتصادی: بسیاری از پاسخگویان بر این باورند که سوء مدیریت اقتصادی و فساد توسط دولت و افراد قدرتمند باعث فقر در کشور شده است. آنها استدلال می‌کنند که منابع به طور عادلانه توزیع نمی‌شود و سیاست‌های اقتصادی دولت نتوانسته است به طور موثر به فقر رسیدگی کند. ۲- تحریم‌های بین‌المللی: برخی از پاسخگویان بر این باورند که تحریم‌های اقتصادی اعمال شده علیه ایران توسط سایر کشورها با محدود کردن رشد اقتصادی و فرصت‌های شغلی به فقر کمک کرده است. ۳- عدم سرمایه‌گذاری: برخی از پاسخگویان بر این باورند که فقدان سرمایه‌گذاری در صنایع کلیدی مانند نفت و گاز، کشاورزی و تولید با محدود کردن فرصت‌های شغلی و رشد اقتصادی به فقر کمک کرده است. ۴- عوامل اجتماعی: برخی از پاسخگویان بر این باورند که فقر ناشی از عوامل اجتماعی مانند نابرابری اجتماعی است. ۵- بی‌ثباتی سیاسی داخلی: برخی از پاسخگویان بر این باورند که بی‌ثباتی سیاسی و درگیری در کشور با محدود کردن رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری به فقر کمک کرده است.

شناخت علل فقر در شهری مانند اصفهان مستلزم توجه به عوامل مختلف اجتماعی است و راهکارهای پیشنهادی باید متناسب با نیازها و زمینه‌های خاص شهر اصفهان باشد. مهم‌ترین پیشنهادها و راهکارهایی که در این زمینه می‌توان ارائه داد عبارتند از:



- ۱- مشارکت دادن ذینفعان، از جمله جوامع محلی، سیاست‌گذاران، سازمان‌های غیردولتی و مؤسسات دانشگاهی، برای اجرای موفقیت‌آمیز این راه‌حل‌ها و ایجاد تغییر پایدار در درک مردم از فقر ضروری است.
- ۲- تشویق به مشارکت مردم اصفهان در بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر فقر: در این امر بسترهایی برای گفت‌وگوهای اجتماعی ایجاد کنید، جایی که ساکنان بتوانند نگرانی‌های خود را بیان کنند، تجربیات خود را به اشتراک بگذارند و به طور جمعی علل فقر را در اصفهان شناسایی کنند. این رویکرد مشارکتی به تقویت حس مالکیت کمک می‌کند و افراد را برای انجام اقدام توانمند می‌کند.
- ۳- با پرداختن به نابرابری‌های درآمدی: با سیاست‌هایی مانند مالیات تصاعدی، مقررات حداقل دستمزد و برنامه‌های رفاه اجتماعی، می‌توان درک مردم اصفهان از فقر را در جهت شناخت عوامل ساختاری مؤثر در فقر شکل داد.
- ۴- بهبود دسترسی به خدمات و فرصت‌های اجتماعی ضروری برای رسیدگی به فقر: این شامل اقداماتی مانند گسترش امکانات مراقبت‌های بهداشتی، ارائه آموزش با کیفیت، ترویج برنامه‌های آموزش حرفه‌ای و ایجاد فرصت‌های شغلی است. افزایش دسترسی به این خدمات باعث می‌شود مردم اصفهان بتوانند درک بهتری از علل سیستماتیک فقر داشته باشند و برای شکستن این چرخه تلاش کنند.
- ۵- علاوه بر این، مطالعات آینده می‌تواند تأثیر سایر متغیرهای اجتماعی جمعیت‌شناختی، مانند قومیت و باورهای مذهبی بر پنداشت افراد از علل فقر را بررسی کند. این به درک دقیق‌تری از عوامل مؤثر بر این ادراکات کمک می‌کند.
- ۶- در پژوهش‌های آینده که در اصفهان و ایران انجام می‌شود، پیشنهاد می‌شود برای جمع‌آوری آمار واقعی در مورد طبقه محروم و تعداد فزاینده آن در جامعه، که برای توسعه سیاست‌های مؤثر برای رفع فقر بسیار مهم است تمرکز شود.

مأخذ مقاله: مقاله مستقل

## منابع

- حمیدیان، اکرم (۱۳۹۶). نابرابری، فقر، طرد/اجتماعی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- داوری، علی و رضازاده، آرش (۱۳۹۳). مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- عنبری، موسی و پیری، صدیقه (۱۳۹۵). بازنمایی فقر در رسائل و متون تاریخی ایرانی. فصلنامه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۶ (۲)، ۲۰۱-۲۲۶. <https://doi.org/10.22059/jstmt.2018.233710.1105>
- عنبری، موسی و پیری، صدیقه (۱۳۹۸). تبارشناسی گفتمان مدرن فقر در ایران. مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۶ (۱)، ۳۰۳-۳۳۶. [10.22059/jsr.2019.73929](https://doi.org/10.22059/jsr.2019.73929)
- دهقانی، حمید (۱۳۹۸). تیپولوژی مناطق ۱۵ گانه شهری اصفهان با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی محله‌های فوق بدخیم. مجله جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۰ (۷۴)، ۱۱۷-۱۳۶. [10.22108/jas.2018.112690.1472](https://doi.org/10.22108/jas.2018.112690.1472)
- هاشمی، عبدالرسول وازکیا، مصطفی و موسوی، سید یعقوب (۱۴۰۱). مطالعه جامعه‌شناختی راهبردهای تهیدستان شهری برای بقا در شهر (مورد مطالعه: سرپرستان خانوارهای تهیدست شهر تهران). توسعه محلی (روستائی-شهری)، ۱۴ (۲)، ۵۱۱-۵۲۸. [10.22059/jrd.2023.346654.668749](https://doi.org/10.22059/jrd.2023.346654.668749)
- پیری صدیقه و نیوشا صالح پور (۱۴۰۲). اقدامات فقرزدایانه سازمان‌های مردم‌نهاد و واقعیت زندگی فقرا. مجله توسعه محلی (روستائی-شهری) دوره ۱۵ (۱)، ۱۳۵-۱۵۲. [10.22059/jrd.2023.363202.668806](https://doi.org/10.22059/jrd.2023.363202.668806)
- Addae-Korankye, A. (2019). Theories of Poverty: A Critical Review. *Journal of Poverty, Investment and Development, Vol.48*( 2422-846X), 56-62

- Anbari, Musa and Piri, Siddiqa (2015). Representation of poverty in Iranian historical texts and messages. Quarterly Journal of Social Science Theory of Muslim Thinkers, 6 (2), 201-226. (In Persian) <https://doi.org/10.22059/jstmt.2018.233710.1105>
- Anbari, Musa and Piri, Siddiqa (2018). Genealogy of the discourse of the poor in Iran. Sociological studies, period 6 2 (1), 303-336(In Persian) [10.22059/jsr.2019.73929](https://doi.org/10.22059/jsr.2019.73929)
- Asen, R. (2002). Visions of Poverty: Welfare Policy and Political Imagination
- Bradshaw, T. (2006). Theories of Poverty and Anti-Poverty Programs in Community Development
- Bullock, H. E. (1999). Attributions for poverty: A comparison of middle-class and welfare recipient attitudes. *Journal of Applied Psychology*, 29(10), 2059–2082 <https://doi.org/10.1111/j.1559-1816.1999.tb02295.x>
- Charles, M. (1984). *Losing Ground American Social Policy, 1950-1980*. Basic Books 10 East 53rd Street, New York 0-465-04233.
- Cozzarelli, C. W., & Tagler, M. J. (2001). Attitudes toward the poor and attributions for poverty. *Journal of Social Issues*, 57(2), 207–227 DOI: [10.1111/0022-4537.00209](https://doi.org/10.1111/0022-4537.00209)
- Dauids, Y. D., & Gouws, .. (2013). Monitoring perceptions of the causes of poverty in South Africa. *Social Indicators Research*, 110(3), 1201–1220. <https://doi.org/10.1007/s11205-011-9980-9>
- Davis, K. &. (1945). Some Principles of Stratification. *10(2)*, 242-249. <https://doi.org/10.2307/2085643>
- Davis, P. S.-M. (2014). A review of the economic theories of poverty. *Discussion Paper*, 435.
- Dehghani, Hamid (2018). Brigade of 15 urban areas of Isfahan with damage to the social damage of super malignant neighborhoods. *Journal of Applied Sociology*, 30(74), 117-136. (In Persian) [10.22108/jas.2018.112690.1472](https://doi.org/10.22108/jas.2018.112690.1472)
- Dodd, N. (2014). *Sociology of money*. United Kingdom.
- Feigin, C. F. (1972). The measurement of attitudes towards poverty. *86(2)*, 221-228
- Hamidian, Akram. (2016) Inequality, poverty, social exclusion. Tehran: Sociologists. (In Persian)
- Harvey, D. (2012). *Rebel Cities: From the Right to the City to the Urban Revolution*. Verso Books.
- Harvey, D. (2017). Marx, Capital, and the Madness of Economic Reason
- Harvey, D. (2017). Marx, Capital, and the Madness of Economic Reason
- Harvey, D. (2017). Oxford University Press ISBN of 9780198801536
- Harvey. (2017). *Marx, Capital, and the Madness of Economic Reason*
- Hashemi, Abdul Rasoul- Azkia Mostafi, Mousavi, Seyyed Yaqub (1401). Sociological study of urban poverty strategies for the city (case study: head of poor households in Tehran). *Local Development Magazine (Rural-Urban)*, Volume 111(2), 5. - 528. [10.22059/jrd.2023.346654.668749](https://doi.org/10.22059/jrd.2023.346654.668749) (In Persian)
- Herrnstein, R., & Murray, C. (1994). *The Bell Curve: Intelligence and Class Structure in American Life*. Free Free Simon & Schuster
- Hunt, M. O. (Sep., 1996). The Individual, Society, or Both? A Comparison of Black, Latino, and White Beliefs about the. *75, No. 1*, 293-322 DOI: [10.1093/SF/75.1.293](https://doi.org/10.1093/SF/75.1.293)
- Jaroslava Babjáčová , Samar Issmailová , Peter Babinčák. (2021). Perceived causes of poverty in the context of objective poverty, subjective poverty and selected sociodemographic variables Človek a spoločnosť [Individual and Society], 2021, Vol. 24, No. 1, pp. 1-17. [10.31577/cas.2021.01.581](https://doi.org/10.31577/cas.2021.01.581)
- Kin, J. Y. (1968). The Spatial Mismatch Hypothesis. *Housing Policy Debate* •Volume 3, Issue 2
- Lachman, M. E., & Weaver, .. (1998). The sense of control as a moderator of social class differences in health and well-being. *Journal of personality and social psychology*, 74(3), 763–773. doi: [10.1037//0022-3514.74.3.763](https://doi.org/10.1037//0022-3514.74.3.763)
- Lewis, O. (1966). The Culture of Poverty. *Vilnius University Journals*, 1 215. No. 4 pp, 19-25. <https://doi.org/10.1038/scientificamerican1066-19>
- Massey, D. (2007). *World City*. Polity Press ISBN 9780745638156.
- Merton's, R. (1938 and 1944). *Social Structure and Anomie and Free Press*. American Sociological Review and Social Theory and Social Structure
- Mikko, N. (2008). Perceptions of the Causes of Poverty in Finland. *ACTA SOCIOLOGICA*, 51(1) <https://doi.org/10.1177/0001699307086816>
- Mikulášková, G., & Adamkovič, M. (2018). The relationship between self-esteem, aggression and poverty. *The relationship between self-esteem, aggression and poverty*, 21, č. 1, 2 [10.31577/cas.2018.01.519](https://doi.org/10.31577/cas.2018.01.519)

- Morçöl, G. (1997). Lay explanations for poverty in Turkey and their determinants. *The Journal of Social Psychology*, 137(6), 728–738 <https://doi.org/10.1080/00224549709595494>
- motion Measures in Multiple Sclerosis Patients". *Assessing Cognitive Impairment Using th NIHTB-CB and NIH Toolbox-Emotion Measures in Multiple Sclerosis Patients*
- Myrdal, G. (1944). *American Dilemma: The Negro Problem and Modern Democracy*. New York : Harper & Brothers
- Nasser, R. A. (2001). Perceptions of poverty and support for redistribution in the Middle East *International Journal of Public Opinion Research*, 13(4), 419-432
- Niemelä, M. (2008). Perceptions of the causes of poverty in Finland. *51(1)*, 23–40
- Norcia, M. C. (2010). The process of causal attribution of poverty. *Oida International Journal of Sustainable Development*, 1(2), 85–97
- Norcia, M., & Rissotto, A. (2015). Causal attributions for poverty in Italy: What do people think about impoverishment. *Norcia and Rissotto / OIDA International Journal of Sustainable Development*8(7), 59–70
- Nygaard, & ea.al. (2017). Assessing Cognitive Impairment Using the NIHTB-CB and NIH Toolbox.
- Objective poverty, subjective poverty and selected demographic variables. *Individual and Society*, 24(1), 1-17
- Peck, J. (2016). Geographies of Policy: From Transfer to Mobility" was published in the journal "Public Policy and Administration. *Public Policy and Administration*, 259 - 277.
- Piketty, T. (2013). Capital in the Twenty-First Century.
- Piri Siddiqa and Nyusha Salehpour (1402). Actions of poverty alleviators of non-governmental organizations and the real life of the poor. *Journal of Local Development (Rural-Urban)*, Volume 15(1), 135-152. [10.22059/jrd.2023.363202.668806](https://doi.org/10.22059/jrd.2023.363202.668806) (In Persian)
- Ringle, C. M., , Wende, .., & Becker, J.-M. (2022). SmartPLS 4
- Rustai, Shahrivar, Karimzadeh, Hossein and Zadeh Vali and Fatemeh (2015). Spatial analysis of the spread of urban poverty in the city of Tabriz during the years 1375 to 1385. *Amash Magazine*, No. 22, 136-125. (In Persian)
- Sameti, M. e. (2012). Theories of Poverty: A Comparative Analysis. *1, No.6*
- Sassen, S. (2014). *Expulsions: Brutality and Complexity in the Global Economy*. Harvard University Press ISBN of 9780674599222
- Shek, D. T. (2004). Beliefs about the causes of poverty and psychological well-being of parents and adolescents experiencing economic disadvantage in Hong Kong. *The American Journal of Family Therapy*, 32(3), , 239–254
- Smith, N. (2010). *Uneven Development: Nature, Capital, and the Production of Space*. Verso Books ISBN 9781844676828
- Thomas Sowell. (1983 ). *Economics and the Politics of Race*. William Morrow & Associates Publishing
- Yakışık, H., Dölarşlan, & Zülfika, r. (2017). A new scale of poverty: How the officially recorded poor people in Turkey perceive themselves. *Development Policy Review*, 35(2), 322–337